

بسم الله الرحمن الرحيم

## خاستگاه‌های بینشی و گرایشی نفاق از منظر آیات و روایات

زهرا دهقانی<sup>۱</sup>

### چکیده

قرآن کریم سه دسته افراد، در جامعه معرفی می‌کند، مؤمنان که به خدا و دین باور دارند، کافران که به دین اعتقادی ندارند، منافقان که در ظاهر به ایمان متظاهر، ولی در باطن کفر خود را مخفی نگه می‌دارند. منافق، دو چهره و دورو است، به جهت منافی که ایمان برای افراد دارد ایمان خود را ابراز، اما در باطن به باورهای الهی کافر است. نفاق بیماری مهلکی است، افراد در بعد فردی و اجتماعی باید از آن حذر کنند، لذا شناخت عوامل شکل‌گیری آن ضرورت دارد، رفتارهای منافقین از تأثیر عواملی مختلف نشأت می‌گیرد از میان این عوامل خاستگاه‌های بینشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. ضعف بینشی می‌تواند به انحراف در گرایش‌های فرد منجر شود که این خاستگاه‌های انحرافی - گرایشی را تشکیل می‌دهد. این گرایش‌ها نشان از انحراف و تضاد با اعتقادات واقعی است و منافقین را از مؤمنان واقعی تمیز می‌دهد. این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی است و به لحاظ محتوا توصیفی و در مواردی به تحلیل محتوا پرداخته است و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و به این سؤال پاسخ می‌گوید که خاستگاه‌های پدیدآورنده نفاق کدامند، در پاسخ به این پرسش با مطالعات آیات و روایات و تحلیل و دسته‌بندی ریشه‌های نفاق، اهم نتایج به دست آمده به شرح ذیل است: بروز نفاق به جهت نقایصی در بینش و گرایش است و همین کاستی‌ها رفتارهای منافقانه را فراهم می‌کند. بینش می‌تواند تأثیری عمیق و علی‌بر گرایش و رفتار بگذارد و آن‌ها را متحول سازد. اگر بینش انسان به گونه‌ای صحیح شکل بگیرد؛ زمینه برای تحول گرایش و رفتار مهیا شده و بسیاری از رفتارهای انسان اصلاح می‌شود. اساسی‌ترین خاستگاه‌های نفاق ضعف ایمان و سست‌باوری و عدم درک صحیح است، این بینش‌های نادرست باعث انحراف در تمایلات و گرایش‌های فرد و دوگانگی در رفتار می‌شود. دنیاپرستی، هواپرستی، ترس، حقارت درونی، حسادت نسبت به پیامبر ﷺ و مؤمنان از این جمله‌اند.

واژگان کلیدی: نفاق، منافق، ریشه‌های نفاق، خاستگاه‌های نفاق، ضعف ایمان.

---

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه بانوامین [Hnnankz13@gmail.com](mailto:Hnnankz13@gmail.com)

## مقدمه

نفاق به معنای دورویی و خودنمایی که در مقابل ایمان و اخلاص قرار می‌گیرد. منافقان کسانی هستند که ادعای ایمان می‌کنند ولی در دل‌هایشان کفر و نفاق وجود دارد. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بسیار درباره این موضوع سخن گفته‌اند. نفاق آثار زیانباری برای گروه مؤمنان و به تبع جامعه ایمانی به همراه دارد علاوه بر این سرایت چنین کنشی به لایه‌های مختلف اجتماعی و در بر گرفتن افراد بیشتری از جامعه، تهدیدی جدی محسوب می‌شود، در جهت رشد و تعالی جامعه، لازم است ریشه‌های بروز رفتارهای منافقان که در این جستار فرا رو از آن با عنوان (خاستگاه) یاد شده است مورد بررسی قرار گیرند تا با شناخت این ریشه‌ها، جامعه از لوث نفاق پاک گردد و کمک شایانی به خنثی سازی خطرات ناشی از نفاق بکند. هدف اصلی این مطالعات، تعریف نفاق و تعیین خاستگاه‌های مهم آن در بینش و گرایش و کنش‌هاست که روشنگری درباره آن می‌تواند به پایداری ایمان و اعتماد عمومی در جامعه منجر شود. در منابع مختلف اسلامی درباره‌ی این موضوع مطالعاتی صورت گرفته است از جمله کتاب «منافقین در قرآن و حدیث» نوشته‌ی محمد دیدار؛ در این کتاب با استناد به قرآن و احادیث، مراتب نفاق در قرآن و مراتب و اوصاف منافقین و ریشه‌های نفاق در امت اسلامی و راه‌های شناخت منافقین تبیین شده است. رساله‌ی «نفاق و دورویی» با تدوین قاسم یعقوبی، که به تعریف و تبیین نفاق و نشانه‌های نفاق و نفاق از دیدگاه شهید مطهری پرداخته است. مقاله‌ی «بررسی ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم» نوشته امان‌له ناصری کریموند و حسن جمشیدی و جوادآبادی که به بررسی ویژگی‌های منافقان (فردی، اجتماعی، روانی، سیاسی و فرهنگی) در قرآن پرداخته است.

مقاله‌ی «شرح نفاق و منافقین از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام» نوشته‌ی یاسر جهانی پور؛ در این مقاله ابتدا ویژگی‌های منافقین، نظر شهید مطهری در خصوص منافقین و مراتب و عاقبت منافقین و علاج آنها و اشاره کوتاهی به برخی از علل ایجاد نفاق به اتمام می‌رسد. لکن با توجه به عنوان این تحقیق «ریشه‌های بینشی و گرایشی نفاق از منظر آیات و روایات»، در آثار ذکر شده اشاره‌ای به این مسائل نشده تنها در مقاله‌ی «شرح نفاق و منافقین از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام» اشاه‌ای کوتاه به بعضی از علل ایجاد نفاق صورت گرفته و تفاوت این پژوهش، تحلیل معنای نفاق به معنای جریان‌ی که برقرار است و موجب نابودی می‌شود و تعریف و تبیین نفاق، دسته‌بندی اعتقادی جامعه، تقسیمات نفاق، ضرورت تحذیر نفاق و تبیین معنای لغوی بینش و گرایش و در پایان خاستگاه‌های اساسی بینشی و گرایشی نفاق ارائه می‌گردد.

## معناشناسی

در ابتدای نوشتار لازم است به تبیین برخی مفاهیم مقاله پرداخته شود.

### معنای لغوی نفاق

نفاق از ریشه‌ی (ن - ف - ق) گرفته شده و مصدر باب مفاعله است.<sup>۱</sup>

خلیل ابن فراهیدی در العین می‌نویسد: «نفقت الدابة تنفق نفوقاً» به معنای مردن و از بین رفتن، در معنای اولی این که برایش بیان فرموده، در معنای «نَفَقَ السَّعَرُ يَنْفُقُ نِفَاقاً» یعنی زمانی که مشتری کالا زیاد می‌شود. در العین این چنین آمده است: «النَّفَقَةُ» آن چیزی است که برای خود آدم و خاندان او هزینه می‌شود، «نَفَقَ، سَرَبَ فِي الْأَرْضِ لَهُ مَخْلَصٌ إِلَى مَكَانٍ، سَوَاحِي» تونل، سوراخی در زمین که راه فرار هم دارد.<sup>۲</sup>

در تعریف ابن فارس در کتاب مقایس اللغه دو معنا ذکر شده است که این دو معنا به هم نزدیک است، معنای اول قطع شدن چیزی و رفتن آن و معنای دوم مخفی کردن، پوشیده و پنهان داشتن که منجر به قطع شدن و رفتن می‌شود.

از معنای نخست استعمال آن «نفقت الدابة نفوقاً» به معنی تمام شدن عمر چهارپا و «نفقت نفقة القوم» به معنای تمام شدن زاد و توشه است و در معنای دوم استعمال «سَرَبَ فِي الْأَرْضِ لَهُ مَخْلَصٌ إِلَى الْمَكَانِ» به معنای سوراخی در زمین که راه فرار (خروج) هم دارد، در بازار هم وقتی گفته می‌شود «نفقت سوقهم» قیمت چیزی در بازار پایین آمده به همین معناست. «نَفَقَ الرَّجُلُ» آنچه نزد مرد بوده و از بین رفته و فقیر شده نیز همین معنا را می‌دهد.<sup>۳</sup>

---

۱. عوده، التطور الدلالي بين اللغة الغير الجاهلي و لغة القرآن الكريم، ذيل واژه نفق.

۲. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۸۲۵.

۳. ابن فارس، معجم مقایس اللغه، ج ۳، ص ۹۶۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۹۸۸ تا ۳۹۹۰.

راغب در مفردات می‌گوید: «نفق الشیء، مضی و نقد» به معنای مردن و از بین رفتن در تبیین این واژگان در خصوص عبارت «نفق الشیء، مضی و نقد» در مفردات این چنین آمده، «نفق» به معنای گذر کردن و پایان یافتن چیزی. این اصطلاح برای اشاره به حالتی که می‌رود که چیزی به تمام و کمال خود برسد و تمام بشود و «مضی» به معنای گذشتن، عبور کردن و این واژه به حالتی اشاره دارد که چیزی از زمان یا مکان خود عبور کرد و تمام یا سپری شده است و «نقد» تمام شدن و پایان یافتن چیزی به این معنا که آن چیز به نهایت خود رسیده و دیگر وجود ندارد.

در ترکیب این سه واژه در قرآن کریم و متون اسلامی برای تبیین مفاهیم پایان یافتن و تمام شدن به کار رفته است.

معنای دوم در راغب «نفقت الدراهم و انفقها» درهم را خرج کرد، هزینه کرد، انفاق کرد، به همین معناست. «انفاق» هزینه کردن مال برای خویشتن و دیگران است.<sup>۱</sup>

در التحقيق در خصوص «نفق» این تعبیر وجود دارد: ریشه نفق به معنای یک جریانی که برقرار است و منجر به نابودی می‌شود «نفق الدابة» به این معناست. در التحقيق «النفقة» این چنین معنا شده، کسی که برای عائله‌اش هزینه کرد و در جریان هزینه کردن، هزینه از دست رفت و نابود شد و «نافقا» به سوراخی گفته می‌شود که مدخلی و مخرجی دارد "الف" ممدوده در نافقا امتداد و جریانی را نشان می‌دهد، این "الف" ممدوده دال بر امتداد است که یک ورود و جریانی وجود دارد که نهایتاً به نابودی منجر می‌شود.

«نقد» به معنای فنا نیست بلکه نقد به معنای نابودی تدریجی است، فنا، نابودی یکباره و دفعتاً است. به نظر اکثر لغویون «نفق» به معنای چیزی است که کم کم مخفی می‌شود و از بین می‌رود تا بمیرد، و به معنای پایان و سرانجام مسیر است.

ریشه نفق به معنای یک جریان تدریجی و ممتد است که نهایتاً به نیستی و نابودی و خروج و تمام شدن منتهی می‌گردد، انفاق به معنای هزینه‌ای که خرج و مصرف می‌شود برای خود و دیگران اعم از

---

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۰۲.

واجب و مستحب، درواقع انفاق را از آن جهت انفاق می‌گویند که شخص مال را بدان وسیله از دستش خارج می‌کند، فانی می‌نماید، تأمل در این معانی، بیانگر یک معنای کلی که در همه مشتقات این واژه وجود دارد و آن نوعی نقصان به کاستی و نابودی است.<sup>۱</sup>

### **معنای اصطلاحی نفاق**

نفاق معنای وسیعی دارد که هرگونه دوگانگی ظاهر و باطن را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup> نفاق در عرف قرآن، اظهار ایمان و پوشاندن کفر<sup>۳</sup>، نداشتن اعتقاد و تسلیم قلبی<sup>۴</sup>، خروج از اسلام و محل آن قلب است.<sup>۵</sup>

منافق: ریاکار و دورو<sup>۶</sup>، کافر زیر پرده<sup>۷</sup>، کسی که در فکر و اندیشه‌اش اما زبانش درست ضد آن است، تظاهر به خداپرستی می‌کند.<sup>۸</sup>

جریان نفاق هم به همین صورت است، جریانی است که در برخی رخ می‌دهد که به مخالفت ظاهر و باطن فرد منتهی می‌شود و چون ظاهر و باطن او متفاوت می‌شود این جریان به نابودی او منجر می‌گردد. بنابراین معنای لغوی و اصطلاحی آن با هم ارتباط و همبستگی دارد، زیرا نفاق در اصطلاح عبارت است از مخالفت درون و بیرون و ظاهر و باطن که به خروج و نابودی ایمان از فرد منجر می‌شود.

### **طبقه‌بندی گونه‌های اعتقادی جامعه**

قرآن مردم را به سه دسته تقسیم کرده است: مؤمن، کافر و منافق.

۱- مؤمنان: مؤمن کسی است که واقعاً از عمق دل خویش به حقیقت و به اسلام ایمان دارد و به آن اقرار و اعتراف می‌نماید، که خداوند سبحان در قرآن آنان را هدایت‌یافتگان و در زمره رستگاران در چهار آیه (۲-۵) سوره بقره توصیف می‌کند.

---

۱. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۰۱، بقره: ۸.

۳. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۷۸.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۱۷۵.

۵. فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۶۱۸.

۶. حسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ۵۲۳.

۷. مطهری، پانزده گفتار، ص ۱۲۶.

۸. همان، ص ۱۲۶.

## ۵-۲- حسد و کینه‌ورزی قلبی با پیامبر ﷺ و مؤمنان

مهم‌ترین ریشه‌های بروز حسادت در انسان سه چیز است: دشمنی و کینه‌توزی، احساس حقارت و ضعف درونی، ضعف ایمان.<sup>۱</sup>

حسادت به عنوان عامل قلبی در شکل‌گیری نفاق مؤثر است، قرآن ریشه‌ی بسیاری از گناهان را حسادت می‌داند. نمونه‌هایی آشکار از سرانجام را می‌توان در داستان ابلیس، قابیل و هابیل، حضرت یوسف علیه السلام و... مشاهده کرد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»<sup>۲</sup>؛ حسد ایمان را می‌خورد، همانگونه که آتش هیزم را از بین می‌برد.

خداوند سبحان در قرآن کریم، علت حسد با مردم (یعنی پیامبر و مؤمنان) را خداوند سبحان بیان فرموده: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»<sup>۳</sup>.

در این آیه اشاره به داستان یهود شده است، می‌دانیم گروه عظیمی از آنها که نشانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را در کتاب‌های خود خوانده بودند به سرزمین مدینه کوچ کردند اما پس از ظهور آن حضرت بسیاری از آنان نه تنها بر تعهدات باطنی خود نسبت به حمایت از آن حضرت باقی نماندند، بلکه در صف مخالفین سرسخت در آمدند. دلیل عمده‌ی آن یکی حسد و دیگری به خطر افتادن منافع مادی آنان بود. خداوند می‌فرماید، آری یک دوره به آل ابراهیم که یهود از خاندان او هستند نبوت و دانش و حکمت بخشیدیم و روز دیگر اراده‌ی ما بر این قرار گرفت که به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او نعمت‌ها بخشیدیم و همه‌ی اینها به طبق مصالحی بود. آیا در آن زمان خوش داشتند که دیگران نسبت به آن حسد ورزند؟ پس چرا اکنون که نبوت دیگران شد آتش حسد در درون آنان شعله‌ور گردید و از هیچ خیانتی فروگذار نیستند.

۱. قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۸۵؛ هاشمی، طرح بزرگ قرآنی، ص ۱۴۴۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۱.

۳. بلکه حسد می‌ورزند با مردم (یعنی پیامبر و مسلمین) چون آنها را خدا به فضل خود برخوردار نمود. که البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنها ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم. نساء: ۵۴.

البته عوامل متعددی در شکل‌گیری حسد و دشمنی آنان نسبت به مؤمنان و پیامبر ﷺ نقش دارد، از جمله به تعصبات قومی و قبیله‌ای می‌توان اشاره کرد که نقش بسیار مهمی در ایجاد حسادت و کینه‌ی منافقان نسبت به اسلام و مسلمان خصوصاً در صدر اسلام ایفا می‌کرد، تفاخر قبیله‌ای، لجاجت و... که منجر به رفتار منافقانه می‌شد.

عقده‌های درونی و شخصی نیز که در اثر اختلاف نظرهای افراد با همدیگر به وجود می‌آید، عامل دیگری برای حسدورزی به شمار می‌آید. به عنوان مثال، کینه و حسادت سران عرب نسبت به امیرالمؤمنین (ع)، اولاً به دلیل وصی و برگزیده بعد از پیامبر اکرم (ص) به عنوان رهبریت جامعه، ثانیاً به دلیل کشته شدن تعداد زیادی از آنان در جنگ‌های صدر اسلام به صورت عقده‌های پنهان در دل خود نگاه داشته بودند که بعد از پیروزی اسلام و شهادت نبی اکرم (ص) با عناد نسبت به حضرت اظهار کردند، ثالثاً هواپرستی این افراد زیرا هواپرستی و دوستی دنیا و هر آنچه با آن در تضاد است اط‌شاخص‌ترین ریشه‌های نفاق است، طبیعی است که اجرای دستورات دینی که بر پایه عدل الهی استوار است با منافع دنیوی و امیال نفسانی آنان در تضاد است و موجب شعله‌ور شدن حسد و کینه‌ی منافقان نسبت به مسلمانان و اسلام می‌شود و بر همین اساس وجودی که یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت همه‌ی پیامبران الهی برقرار قسط و عدالت اجتماعی در میان انسان است. ایجاد عدالت اجتماعی و اجرای حدود الهی توسط رهبر جامعه‌ی اسلامی نقطه مقابل خواهش‌های نفسانی منافقان است، موجب کینه و حسد آنان نسبت به پیامبر و مسلمانان می‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغِيظُ وَلَا يَحْسُدُ، وَ الْمُنَافِقُ يَحْسُدُ وَلَا يَغِيظُ»<sup>۱</sup>.

ویژگی‌های رفتاری منافقان به جهت ضعف در بینش و در نتیجه‌ی گرایش‌ات سست دنیا طلبانه است. دوگانگی در رفتار حاصل تربیت فرد توسط خانواده و تأثیر محیط در اوست. بنابراین کنش‌های منافقانه، حاصل بینش‌ها و گرایش‌ات منحرفانه از مسیر آموزه‌های الهی است.

---

۱. مؤمن غبطه می‌خورد، حسن نمی‌ورزد؛ منافق حسد می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۷.

## نتیجه‌گیری

بررسی ریشه‌های بینشی و گرایشی نفاق در آیات و روایات اسلامی نشان می‌دهد که نفاق به معنای دورویی در رفتار و عقیده، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای جامعه‌ی دینی است. شناخت و پیشگیری از نفاق از اهمیت بالایی برخوردار است. شناخت رفتارهای منافقانه می‌تواند در تشخیص و مقابله با نفاق کمک و راه‌حلهایی برای ایجاد جامعه‌ای پاک‌تر با ایمان راسخ‌تر، ایجاد کند.

این رفتارهای منافقان از یک سلسله عواملی نشأت می‌گیرد، مهم‌ترین عوامل، عوامل و خاستگاه‌های بینشی هستند که شامل ضعف ایمان و سست‌باوری و عدم درک صحیح می‌شوند. این ضعف بینشی موجب انحراف در تمایلات و گرایش‌ها می‌باشد. دنیاطلبی، هواپرستی، ترس، حقارت درونی و حسادت نسبت به پیامبران و مؤمنان گرایش‌ها منحرفی هستند که ناشی از بینش سست می‌باشند. امید است نهاد حاکمیت و همچنین خانواده‌ها با تقویت و تعالی بینش افراد گرایش‌ها آن‌ها را نیز در صراط مستقیم نگه دارند و هرچه بیشتر رفتارهای خالص ایمانی در جامعه در بعد فردی و اجتماعی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... شکل گیرد، تا بدین سان از تخریب نظام ارزشی جامعه و ایمان و عدم اعتماد عمومی در جامعه‌ی دینی جلوگیری به عمل آید و به بهبود وضعیت جوامع اسلامی کمک کند.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم: ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.

\* نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی.

کتب:

- (۱) ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: دارصادر - دار بیروت، چاپ دوم، ۱۹۵۵ م - ۱۳۷۴ ه.ق.
- (۳) آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، محقق: سید جمال الدین محدث ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق - ۱۳۶۰ ه.ش.
- (۴) بهرام‌پور، ابوالفضل، تفسیر نسیم حیات، قم: آوای قرآن، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- (۵) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم قرآن کریم، قم: اسراء، ۱۳۷۱ ه.ش.
- (۶) حائری یزدی، مهدی، کاوش عقل عملی، تهران: مؤسسه پژوهش حکمت - فلسفه ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
- (۷) حسینی، محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ه.ش.
- (۸) حلی، ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، قم: مکتبه الفقیه، ۶-۷ ه.ق.
- (۹) دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران - روزنه، ۱۳۷۷ ه.ش.
- (۱۰) راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، مترجم و محقق: سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ه.ش.
- (۱۱) رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علیه السلام، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- (۱۲) طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.

۱۳) عوده، خليل ابو عوده، التطور الدلالي بين اللغة الغير الجاهلي و اللغة القرآن الكريم، اردن: مكتب المنار، ۱۴۰۵هـ.ق.

۱۴) فراهیدی، خليل بن احمد، العين، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹هـ.ق.

۱۵) فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم: موسسه دارالهجره، چاپ دوم، ۱۳۹۷هـ.ش.

۱۶) قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: موسسه درسهایی از قرآن، ۱۳۹۵هـ.ش.

۱۷) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵هـ.ش.

۱۸) مجلسی، محمدباقر، بحار النوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۳هـ.ق.

۱۹) مصطفوی، حسن، مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق علیه السلام)، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰هـ.ش.

۲۰) \_\_\_\_\_، التحقيق فی کلمات القرآن، نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۲۱) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب السلامیه، چاپ دهم، ۱۳۵۳هـ.ش.

۲۲) مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، قم: مؤسسه نشر صدرا، ۱۳۸۰هـ.ش.

۲۳) \_\_\_\_\_، جهان بینی اسلامی، قم: مؤسسه نشر صدرا، ۳۷۰هـ.ش.

۲۴) نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم: آیین دانش، ۱۳۹۳هـ.ش.

۲۵) هاشمی، مهدی، طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸، تهیه و تنظیم: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین، چاپ اول، ۱۳۹۳هـ.ش.

#### مقاله:

۲۶) جلالی، حسین، «فصلنامه معرفت»، شماره ۵۰، ۱۳۸۹هـ.ش.